

خلیج همیشه فارس

پژوهشی از استاد عزیز طویلی

پیش گفتار

اکنون، به نوشته کوتاهی به خلیج همیشه فارس می پردازیم، که اگر دریای «کاسپین» با بیش از چهل نام در شمال کشور ما، جلوه نمائی می کند، خلیج فارس، نیز در جنوب ایران به شاه راه حیاتی سرزمین ایران پهناور ماست که هر ذره از خاک پاک، ایران را به گوهری درخشان، تبدیل ساخته، و هزاران سال است نام خلیج (فارس - پارس) بر آن نشان گر، ایرانی بودن آن بوده و هست.

و هم اکنون، روزانه صدها، فروند کشتی های عظیم و کوچک تر، همراه لنج های فراوان به آوردن و بردن، مایحتاج مردمی و هم چنین هزاران مسافر، با آن ها به مسافرت دور و نزدیک می روند. تانیازهای ساحل نشینان، خلیج فارس، را فراهم نمایند. چنین می نماید که آب خلیج فارس، هم چون آب حیات مورد استفاده کنندگان روزمره، هزاران نفر از مردم سلحشور و جانباز، این مناطق را فراهم می نماید.

این مردم، پر توان و پر طاقت سرزمین ما، در همیشه زمان دور و نزدیک، مرزداران سلحشور کشور ما بودند و همانند ساحل، دریای خروشان کاسپین، که هزاران کشته دادند و زن و فرزندان آنان به اسارت بیگانگان قرار گرفتند ولی زیر یوق بیدادگران بیگانه نرفتند و مرد و مردانه در مقابل اجانب ایستادند و آنچه که از دست داده بودند، با رشادت و از جان گذشتگی فراوان، از دشمنان وطن خود گرفتند و دهان یاهو گوی اهریمنان را در هم کوبیدند.

خلیج فارس، که همانند دالانی، با پهناوری حدود دویست و سی و سه هزار کیلومتر مربع، کرانه های جنوب و جنوب باختری کشور ما را، در برگرفته و یکی از بازوان اقیانوس هند را تشکیل می دهد، با آنکه در سرتاسر طول تاریخ خاور میانه، مهمترین راه بازرگانی میان شرق و غرب جهان بوده و جلوه گاه بسیاری از افتخارات ملی، تاریخی و فرهنگی گذشته ما می باشد و اینک نیز به منزله شریان حیات اقتصادی و سیاسی ایران است، با این همه از جهات گوناگون و دیدهای مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر بسیاری از مردم وطن ما ناشناخته است.

هنوز هم بسیاری ایرانیانی که نه با گذشته آن آشنائی کافی دارند و نه اهمیت فوق العاده حساس اقتصادی و سیاسی حال و آینده آنرا، آنگونه که باید دریافته اند. حال آنکه در همه جای خلیج فارس، خواه در کرانه های خاوری و خواه در کرانه های باختری آن یعنی در همه اجزایش نفوذ و اثر ایرانیت جلوه گر است.

با تمام این تفاسیر، از سوی ما ایرانیان، گام های جامع الاطرافی در راه بهره برداری، از ثروت به نسبت فناناپذیر خلیج فارس برداشته نشده است. در صورتی که هر چه پیش می رویم، دریائی این چنین غنی و پر برکت، برای ما حیاتی تر رخ می نماید و بیش از پیش خود را وابسته بدان می یابیم.

اصولاً، ایرانی هیچ گاه نمی تواند خود را از خلیج فارس که شاهرگ



حیات اقتصادی و

سیاسی کشورش می باشد، جدا بداند یا جدا به بیند و اینک نیز بیش از هر زمان خویشتن را وابسته بدان یافته و می خواهد که از مواهب بسیاریش بهره مند شود. گام هائی در راه تحقق بخشیدن بدین آرمان ملی و آرزوی هر ایرانی برداشته شده ولی گام های بسیاری دیگر در پیش است که باید برداشته شود.

در کرانه های تازی زبان خلیج فارس، ماندگاران نقاط مزبور با ثروتی از راه بیرون آوری نفت و بنادر آزاد، ماهی گیری، کشتی رانی، بازرگانی و غیره به دست آورده اند با شتاب و تلاشی پی گیر به آبادان نمودن کرانه های جزایر و سرزمین های مربوط به خود پرداختند و قاطعیت حکم فرما می باشد...

ما در این که، برادران و خواهران عرب خود را در آن سوی کرانه های خلیج فارس پیشرفته موفق و ثروتمند می بینیم قلباً خوشحالیم و آرزومندیم که همه همسایگان و هم کیشان عرب ما، در خلیج پارس، پیش رفته و سرافراز باشند. ولی در عین حال دوست نداریم که چنان موفقیتی به قیمت از بین رفتن ما تمام شود و چنان نیرومندی را در چهارچوبی معتدل که به موازات حقوق اعراب، رعایت حقوق ایرانیان نیز در خلیج فارس شده باشد می پسندیم.

اینک که عصر فضا، عصر اتم را پشت سر نهاده و جهان مترقی در راه بالاپذیری و اوج گیری روزافزون خویش سرعت و شتابی بیش از گذشته خود گرفته و شتابنده تر، از هر زمان شده است. باید پارا از محیط خیال پروری و خود گول زنی و حرف، تحویل دادن ها فراتر گذارد و حقایق را بدانگونه که هست دریافت و راه جوئی نمود. باید با برنامه هائی قاطع و روش هائی مقبول به پیش تاخت و با منش هائی سازنده، پیش روانه و پی گیر و به بهره برداری از ثروت بیکران دریا، پرداخت:

فرزندان وطن گرامی ایران نیز، بایستی بدانند که خلیج فارس، مهمترین مرکز حساس و ثروت زای کشور می باشد و همین کرانه های شرربار و آذرخیز خلیج فارس و همچنین آب شور دریاست که سیل ثروت را به سوی جامعه سرازیر خواهد کرد ...

امروز خلیج فارس به آن چنان خدمت گزاران و کارگزارانی نیاز دارد که بتوانند با طوفان حوادث به شایستگی و منطبق با اصول مردمی در ستیزند و نتیجه گیری هائی معقول و پذیرا نموده و به ندای ایران خواهان پاسخی مثبت دهند ...

گفته هائی درباره خلیج فارس

برای این که، موضوع خلیج فارس، را روشن تر بیان کنیم، تا همه مردم ایران بدانند که این همه داد و فریاد و قیل قال بیهوده برای چیست و چه دست هائی، در پشت پرده باین عمل ناشایست و ناپسند مبادرت می ورزند، چه باید بکنیم و چه اعمالی در قبال این دشمنان خیره سر، بیان نمائیم، خیلی دلم می خواست کاری بایسته تر انجام دهم، ولی فکر کردم چنانچه عوامل خودی در کشورهای عربی، چنین سخنانی را بیان می دارند، برملا می سازم، ولی احساس می کنم با جملاتی زیر، می توانم پاسخی، جالب تر به آنان بدهم .

ابتدا، از همه کشورها و ملت های عربی می پرسم (آیا می توان بدل خواه چند دشمن شناخته شده و مارمولک صفت و روپاه طینت، که در لباس دوستی، تیشه به ریشه سابقه بسیار دوستانه، ملت ایران می زند، چرا، کورکورانه این عوامل را می بینند و می شناسند و به گفته و نوشته های دشمنانه آنان، چشم بسته، قبول می کنند، زیرا که راهی اشتباه آمیز را طی می نمایند و اگر با دولت ها اختلاف دارند، با ملت ها چرا دست به چنین کار زشت انجام می دهند؟ در حالی که، مردم ایران با سابقه ای بسیار کهن، کهن تر از دشمنان استعمارگر امروزی پابرجا بوده و هستند و ...)

حال، به نوشته و اظهارنظر، بعضی از نویسندگان می پردازم تا بیش از حد، از خود نویسم بلکه به نوشته های دیگران می پردازم، از این رو باید بگویم که:

تاکنون بسیاری از بیگانگان درباره خلیج فارس، تحقیق نموده و کتاب نوشته اند و از این پس هم بسیاری دیگر چنان راهی را خواهند رفت ... به سخنی دیگر، نویسندگانی سیاسی بوده اند که وظیفه و وظائف ویژه ای داشته اند و می بایست در پوشش و پوشاک پژوهندگان و خاورشناسان چگونگی ها را دگرگون بیاریند و انصافاً هم خوب از عهده برآمده اند .

برخی از نوشته های مزبور به فارسی گردانیده شده و با آنکه نویسندگان و مترجمان فارسی زبان گام های ارزنده ای در راه ترجمه متون یاد شده برداشته اند . ولی آنجا که غرض ورزی بود چنان گامی برداشته می شد . پاره ای از نوشته های مورد بحث نیز، هم چنان به زبان های خارجی مانده و اینک هم منابعی برای پژوهش خلیج فارس، نوسان جدید گردیده است .

به جاست این نکته خاطر نشان گردد که ما لبه ی تیغ سخن را علیه دانشمندان، مغرب زمین نکشیده ایم و به اندیشمندان از هر کجای جهان که باشند . فارغ از رنگ و نژاد، دین و ملیت ارج می نهیم؛ اعتراض و پرخاش ما فقط به سوی آن گروه از خاورشناسانی است که بساط استعمار را در جهان گسترانیده و حقایق را وارونه جلوه داده اند، در این نوشته هم تنها خلیج فارس نویسانی به محاکمه کشانیده شده اند که زیر کاسه نیم کاسه ای داشته اند . وگرنه صاحب نظران و

دانشمندان پاک نظر اروپائی یا آمریکائی مقامی بسیار والا دارند و بویژه در پیشگاه دانش همواره گرامی خواهند بود. این نیز گفته شده باشد که ما مطلقاً چنان انتظاری را از خاورشناسان نداشته ایم، که در آثار خود همه جا از ایرانی ستایش کنند و عیب و نقص وی را ندیده انگارد .

چنین ادعائی را هم نداریم که این ملت همیشه برکنار از هر گونه کثری و کاستی بوده است، البته منکر عیوب خود هم نیستیم و برآنیم که ایرانی در طول تاریخ خویش، بدی هائی داشته است و خوبی هائی و کارگزارانش نیز چنان بوده است . چیزی که هست از صاحب نظران، انتظار درست داوری نمودن و علت جوئی کردن است وگرنه ارزش تحقیق از بین خواهد رفت .

در میان به اصطلاح محققان و پژوهشگران گذشته خلیج فارس، انگلیسی زبانان به لحاظ، موقعیت ویژه ای که در منطقه مزبور داشته اند، بیشتر کوشیده اند تا حقیقت پنهان ماند . برای نمونه « سر چارلز بلگریو » که از سال ۱۹۲۶ میلادی تا سال ۱۹۵۷ میلادی به مدت سی و یکسال کارگزار انگلستان در خلیج فارس بود، کتابی نوشت که به سال ۱۹۶۶ میلادی چاپ و منتشر شد .

نویسنده و سیاستمدار مزبور در نوشته ها و تحقیقات خود بیشتر از یادداشت های « سرفرانسیس ارسکین لاک » الهام گرفته است و خاور شناس اخیر، نیز یکی دیگر از کارگزاران و پیروان مکتب سیاست شناخته شده، بیگانگان در خلیج فارس بوده است .

« لردبلگریو » که افزون بر سی سال سیاست خاص آن زمان انگلستان را در خلیج فارس، رهبری کرد و با ایرانیان نیز چندان روی خوشی نداشت، در کتاب خودش این چنین آغاز به سخن کرده است: ... خلیج فارس، که تا زبان اینک آنرا خلیج عربی، گویند ... و بدین ترتیب نامبرده می خواهد واژه ساخته شده « خلیج عربی » را در دهان اعراب گذاشته و به آن ها، بگوید که چنانچه فراموش کردید که این خلیج چه نامی دارد بدانید نامش خلیج عربی می باشد . سیاستمدار مزبور نخستین کارگزاری است که خلیج العربی، را به جای خلیج فارس، ابداع کرد و در نوشته های خودش به کار برد و به تازی زبانان آموخت .

در نتیجه یک دفعه واژه « خلیج عربی » از اندیشه و خامه یک کارگزار کهنه کار انگلیسی زائیده و پرداخته شد و به کشورهای عربی تقدیم گردید و در جای خلیج فارس به کار رفت جمعیتی از گروه ممالک اخیر نیز از آن استقبال کرده و به پیشبازش در آمدند .

وگرنه قبل از آن، در هیچ نوشته و کتابی حتی آنچه که به وسیله ی برادران عرب، هم راجع به خلیج فارس نوشته شده است به واژه « خلیج العربی » به جای خلیج فارس، برخورد نمی نمائیم و فقط جسته و گریخته، تاریخ نویسان و جغرافی دانانی بوده اند که از دریا سرخ به نام خلیج العربی یاد کرده اند . برای نمونه، از متقدمان این گروه می توان از « هرودوت »، « استرابون » و « آراتوستن » نام برد و از متأخران آن ها، نیز « جرجی زیدان » را برشمرد . ولی می بینیم که « لردبلگریو » در اواخر، دروان فرمانروائی خویش بر کرانه های باختری خلیج فارس، بیک دفعه و برای نخستین بار در مجله « صوت البحرین » از خلیج فارس به نام خلیج العربی یاد کرده و سپس با تلاش تمام آنرا گسترش می دهد حال باید دید بهره ای از این جعل الفاظ می توان گرفت .

ادامه ...